cheoche

تلگرام و پرواز خیانت

مقاله ای کوتاه درباره ی امکانات جدید ارتباطی مثل تلگرام ودیگر رسانه های اینترنتی که گاها و ناخواسته باعث خیانت در زندگی مشترک افراد میشه و شرایط رو برای خروج از حد و مرزهای تعیین شده بین دونفر سهل و آسان کرده.

باید به این موضوع فکر کرده باشی که اگه موبایل و اینترنت رو از زندگی حذف کنیم, خیلی از استرس ها و اضطراب هایی که در طی روز داریم از بین میرن و احساس سبکی و راحتی خوبی رو تجربه میکنیم.

اما بلافاصله این فکر محو و ناپدید میشه, چون اصلا نمیشه باور کرد که حتی چند ساعت بدون موبایل هم میشه زندگی کرد .

انسان بدون گوشی همراه با خودش بیگانه میشه و تمرکزشو از دست میده. بدون موبایل فکر میکنه که چیزی کمه. ی چیزه مهم و حیاتی کمه. انقدر مهمه که آدم احساس سردرگمی و فشار زیادی رو تجربه می کنه.

تا حالا فکر کردید چرا؟

تلفن و اینترنت جز اصلی و اساسی در زندگی ما شده و بدون اونها مشکل میشه صبح رو شب کرد. ما تقریبا ۶۰ درصد زمان روزانه رو در اینترنت و موبایل سپری میکنیم.

معمولا کارهای مختلف و اغلب غیر ضروری و بی اهمیتی رو انجام میدیم. تا حدی که خیلی از مواقع فقط باید موبایل

رو لمس کنیم و یا فقط نوری که از صفحش به چشم ما میتابه رو ببینیم.

گوشی تلفن ما یکاری مثل کار قلب رو برای ما انجام میده و این تصور در ما شکل گرفته.

البته گوشی بدون اینترنت نه.

گوشی بدون اینترنت مثل قلبیه که کار نمیکنه و تپش نداره. برقراری اینترنت در گوشی و سایر وسایل ارتباطی ما, مثل برقراری رابطه با دیگران شده و بسیار حیاتی و ضروریه.

وایبر.واتس اپ.لاین تلگرام از نرم افزار های ارتباطی هستن که این نقش حیاتیو بیشتر کردن.

تلگرام آخرین نرم افزار مورد استفاده ما ایرانی ها ست که تا بحال بیشترین کاربر رو به خودش جذب کرده. بیش از ۲۰ میلیون نفر تلگرام دارن و باهاش زندگی میکنن. کافیه ی کم فکر کنیم تا بفهمیم در طی روز چقدر با این ابزار سرو کله میزنیم و یا بهش فکر میکنیم.

اما سوال اینجاست:

آیا میتونی تلگرام رو از گوشیت پاک کنی و دیگه بهش فکر نکنی؟!

البته که نه!!!

cheoche.com

مگه میشه این ابزار دوست داشتنی و بامزه رو حذف کرد؟!!

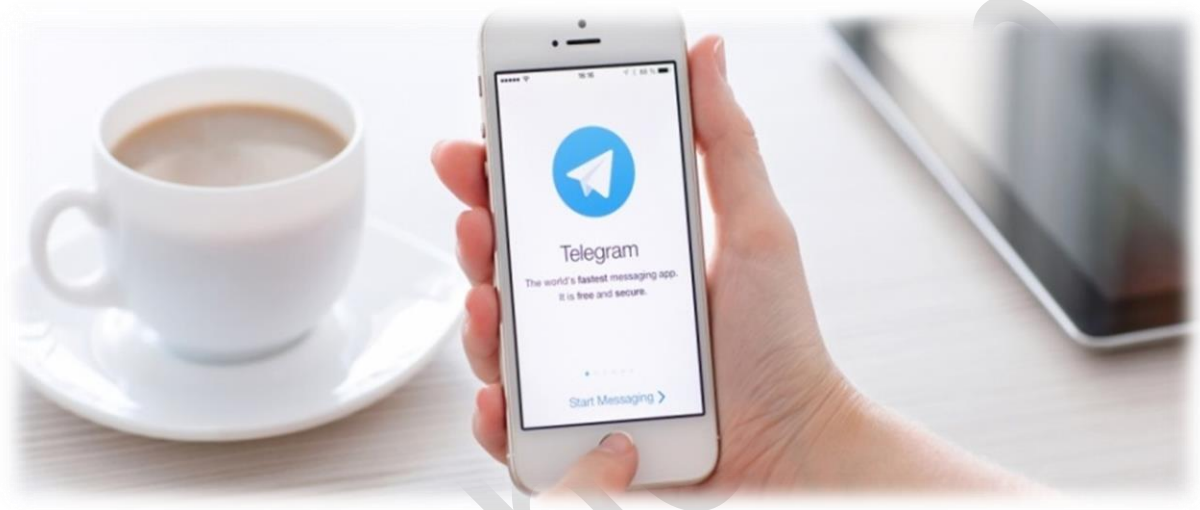

رنگ آبیه آسمونی و هواپیمای سفید و کاغذی رو که داره توش پرواز میکنه رو نمیشه ندید.

هواپیمای کاغذی ای که همه ما از کودکی میشناسیمش و البته هممون میتونیم درستش کنیم.

cheoche

اون مارو به هر جایی که بخایم میبره. سرعتش باور نکردنیه و امنیت پروازش تضمین شدست. چطور ازش استفاده نکنیم.

اون مارو سریعتر از سرعت باد جابجا میکنه. هرجا که اراده کنیم, پیش دوستان, اقوام, آدمهای جدید و غریبه ها.

cheoche.com

تو گروه های مختلف و کانال های جورواجور. هر کی رو که بخایم توش پیدا میکنیم. راجع به هر چیزی که فکر کنیم تلگرام براش گروه و کانال داره.

مثل اطاقهای تودرتو و بزرگ و کوچک, درهاشونو میتونیم باز کنیم یا ببندیم. میتونیم بریم بشینیم ی گوشه این اطاق ها و ببینیم بقیه چیکار میکنن. خسته که بشیم میریم اطاق بعدی و همینطور این گشت و گذار ادامه داره.

دوست نداریم بیایم بیرون, مگر اینکه مجبور بشیم. مگر اینکه صدای عصبانی و دلخوری مارو ازین اطاق های دنج, امن و جذاب بیرون بکشه. یا صدای بوق ماشینی که وسط خیابون یا پشت فرمون میخاد به ما بخوره و یا هر اتفاقی که بزور باعث شه برای مدتی برگردیم به خودمون.

میدونیدچرا؟

چون براحتی و بدون هیچ هزینه ای, مشکلی و مانعی همه جا هستیم. همزمان اینجاییم و همه جا.

تو خونه دوست, خونه فامیل, تو مهمونی ها و هر جایی که دوست داشته باشیم. کسی از ما نمیپرسه که چیکار داریم که یهو رفتیم تو ی جمع غریبه و کنجکاویم بدونیم چه خبره. آزادی و راحتی زیاده...

cheoche

کسی پولی هم ازما نمیگیره. اتفاقا خیلی خوشحال هم میشن که سرزده بریم تو این اطاق ها. چون ما که باشیم صاحبای این اطاق ها ی پولی هم میگیرن.

خلاصه جمع جمعه. خیلی خبرا هست. انگار بدون لباس پوشیدن و حاضر شدن و بدون هیچ هزینه ای در عرض یک ثانیه به هر کسی و هر کجا که اراده کنیم سر میزنیم, گپی میزنیم و برمیگردیم.

همه هستن ,مام باید باشیم. اگه نباشیم از خیلی چیزا و خبرا و اتفاقات جاموندیم.

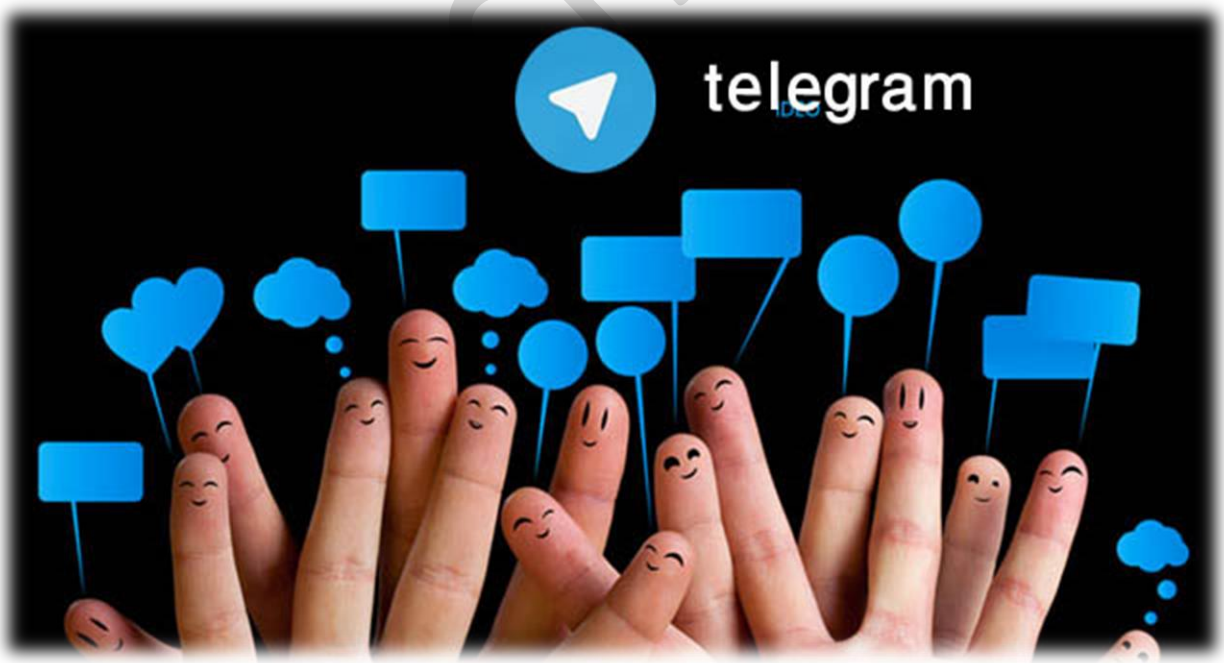

درسته فکر میکنیم اگه نباشیم خیلی چیزارو ازدست میدیم. خیلی اطلاعات و دانستنیهایی که فکر میکنیم مهمن, از دست میدیم.

وقتی چند هزار نفر یا چند صد هزار نفر مطلبی رو خوندن و دیدن ما هم باید ببینیم. احتمالا خیلی خیلی مهم بوده که همه دیدنش. اگه ما ندونیم و نبینیم احساس بدی داریم.

مثل جشنیه که همه دارن میزنن و میرقصن, اگه ما نباشیم انگار نشستیم پشت پنجره و داریم از دور با حسرت نگاه میکنیم. مثل اینه که نذاشتن ما بریم و در این جمع باشیم و احساس با هم بودن رو تجربه کنیم.

احساس با همه بودن لذت بخشه

ولی احساس تنهایی احساس خیلی بدیه

خوب خیلی وقتا هم دل و دماغ نداریم و بی حوصله ایم. میخایم با یکی از دوستامون حرف بزنیم و وقتمون رو پر کنیم, یا باهاش درد و دل کنیم. از مشکلاتمون بگیم یا درباره ی مسئله ای سوال و مشورت کنیم.

خوب...خیلی خوبه... بهتر از انزوا و تنهاییه.

حوصله جمع و سرو صدارو نداریم. میخایم ی گوشه دنج و خلوت و بدون مزاحم ی چند دقیقه ای با ی نفر از دوستا

و آشناهامون با آرامش حرف بزنیم. خوب تلگرام این کارو انجام میده.

گفتم که... بدون منت و هیچ هزینه ی رفت و آمدی و با سرعت. حتی تلگرام میتونه مارو با آدم های جدید و غریبه ها هم آشنا کنه.

آدمهای جدیدی که دوست داریم از زندگیشون باخبر بشیم. ببینیم اونا چطور دارن زندگی میکنن و با مشکلات سر و کله میزنن. برامون بگند و ازشون یاد بگیریم و یاد بدیم یا درد و دل کنیم و کمی آروم شیم.البته چون محدودیتی نیست و اتفاقا همه هستن امکان انتخاب ما هم زیاده.

بعد ممکنه یهو از یکی خوشمون بیاد و عکسشو که دیدیم حس کنیم حرفای زیادی میتونیم با هم داشته باشیم.

- خوب چرا که نه. امتحانش مجانیه.
- ی سلام هزینه ی شروع صحبته...!

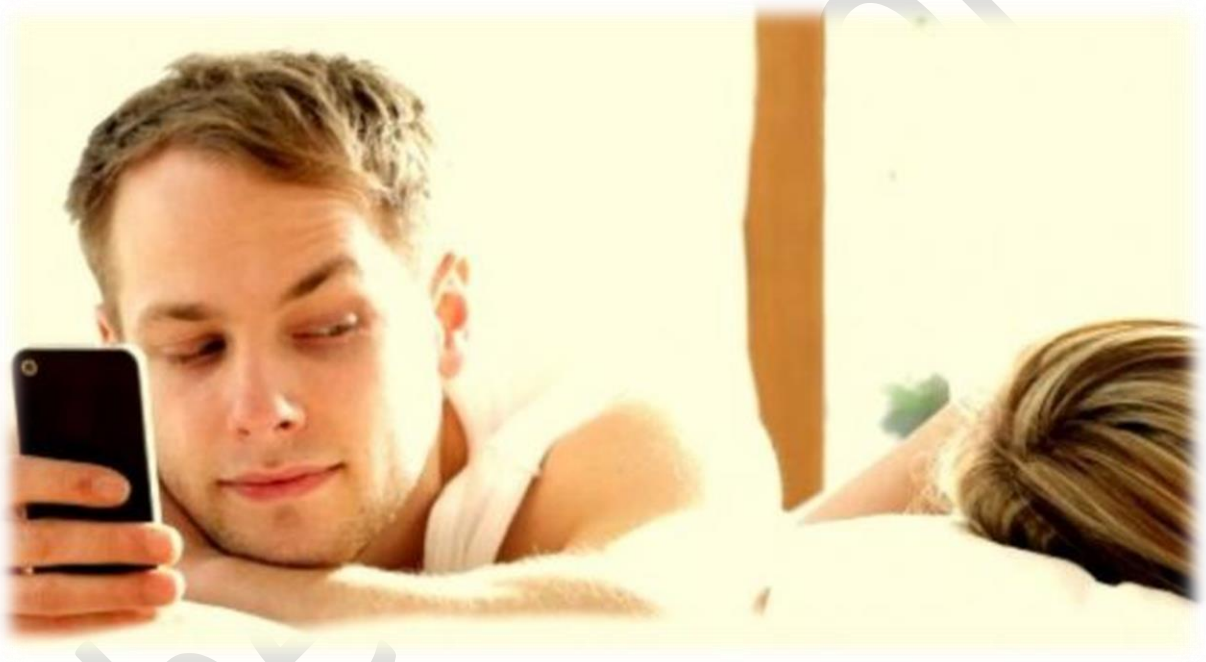

جواب سلام یعنی, آره من هستم .

جواب سلام یعنی من هستم...

منو نمیبینی, نمیشناسی, نمیدونی کجا زندگی میکنم و چجور آدمیم. فقط ی عکس از من میبینی و جواب سلام.

ولی مهم نیست. مهم اینه که من هستم. الان, اینجا و تنها با تو هستم. یا میتونیم با هم آشنا شیم و شاید رابطمون ادامه پیدا کنه... یا نه .

گفتم که امتحانش مجانیه. حالا اگه نشد آدم زیاده. جورواجور و همه آنلاین و حاضر. بستگی به هنر برقراری ارتباطت داره که بتونی رابطه بگیری. امکانات هی و حاضره.

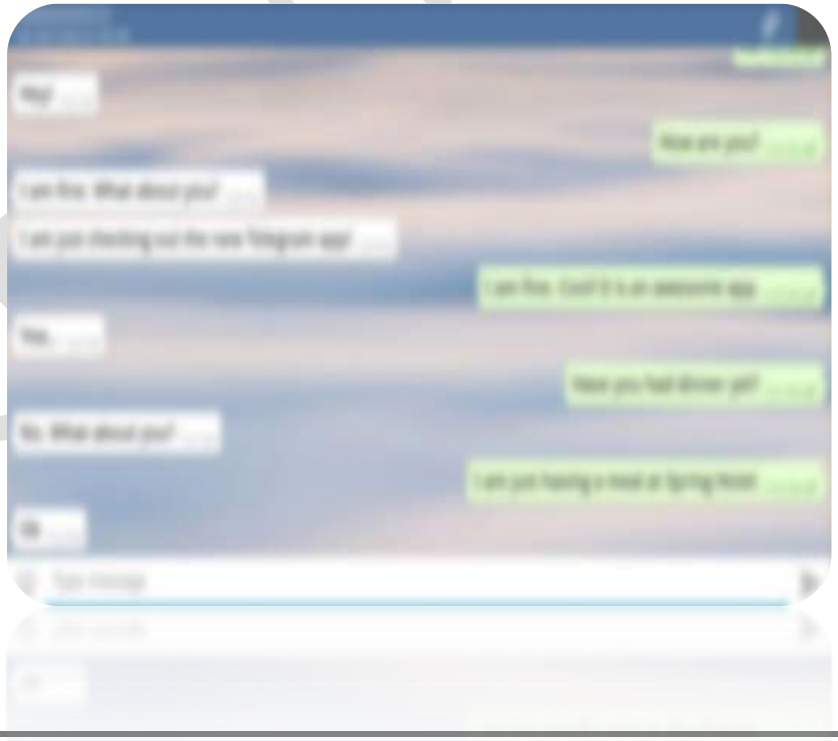

تو چی میخای؟؟!

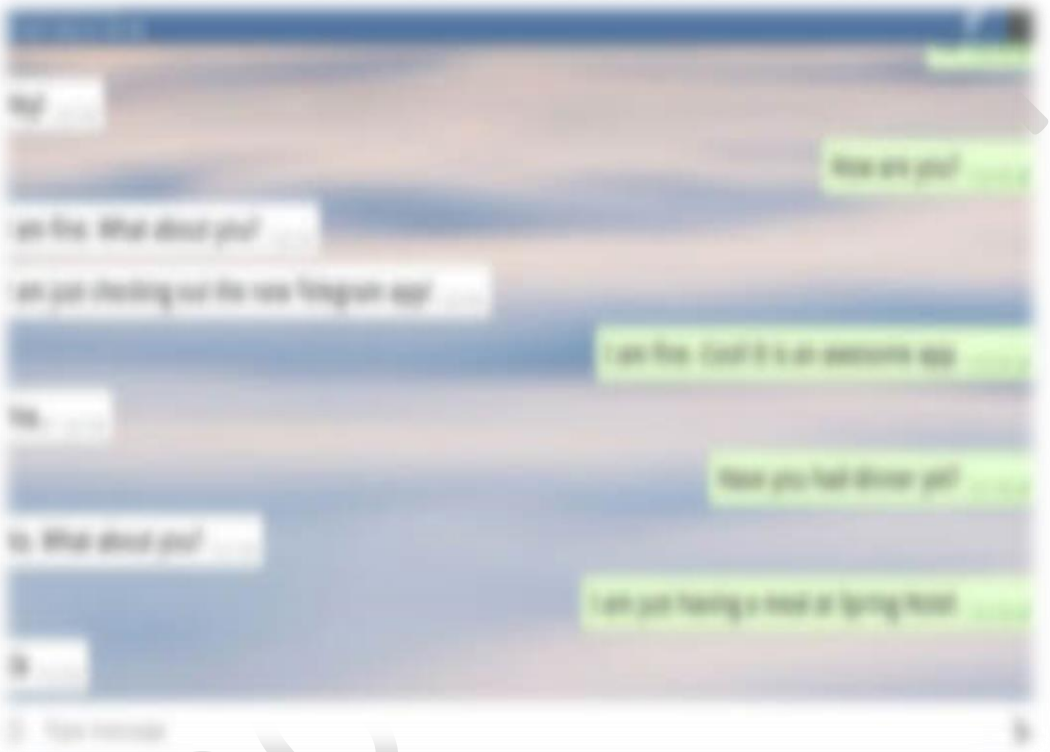

دکمه خیانت رو نزن

دنیای مجازی و ارتباطات مجازی با دنیای واقعی و ارتباطات واقعی کاملا با هم فرق دارن. در واقع ما با دو جهان کاملا متفاوت از هم روبروییم. ما در اینترنت و دنیای غیر واقعی، محیط و جهان گسترده‌ای رو میبینیم و تجربه میکنیم که در واقعیتِ پیرامون ما وجود نداره.

به همین نسبت انسان‌های واقعی هم وقتی پا به این جهان مجازی میذارن هویت و شخصیت جدیدی پیدا میکنن. ما آزادیم اونطور که میخایم و دوست داریم خودمون رو معرفی کنیم و به دیگران نشون بدیم. اونطور که همیشه مایلیم دیده بشیم و امکانش در دنیای واقعی وجود نداره.

خوب این امکان در این دنیای جدید هست که ما با شخصیت و ظاهر و افکار و نوع برخوردی کاملا متفاوت با خود واقعی و فیزیکی که هستیم ظاهر بشیم و دوتا هویت متفاوت داشته باشیم : یکی همین که هستیم و بهش آگاهیم و

در روابط واقعی دیگران از ما در ذهن دارند، و دیگری اون کسی که براحتی میتونیم توی غالبش بریم و در فضای مجازی خودمون رو معرفی و به دیگران تحمیل کنیم.

پس با آگاهی از این امکان، شرایط و موقعیت های فراوانی در اختیار داریم . هر کاری که امکان انجامش رو در واقعیت نداریم در فضای مجازی قابل انجامه . بدون اینکه کسی متوجه بشه که کدوم یک از این دو هویت واقعی هستن. خوب شرایط برای ماجراجویی و گشت و گذار، اونم بدون محدودیت و مانعی وجود داره.

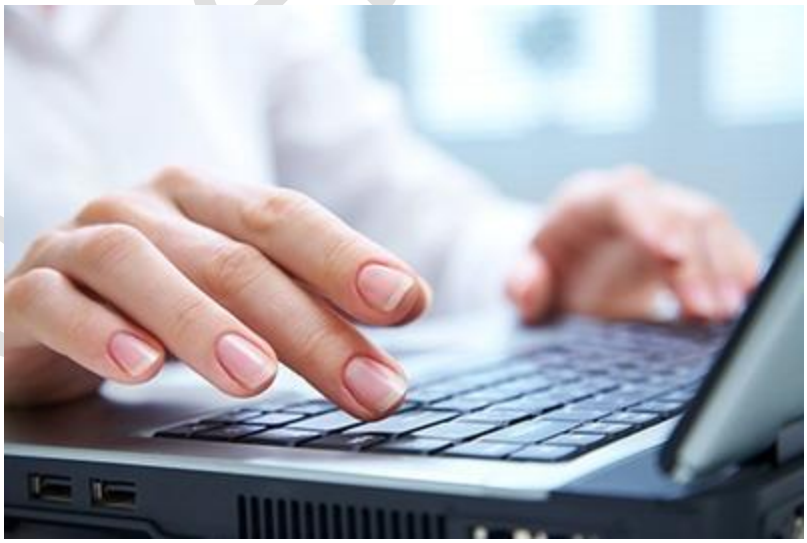

در اینجا بین ما و دیگران یک واسطه هست که کامپیوتر یا موبایله. مثل دیواری نامحسوس که نمیزاره واقعیت خودش رو اونطور که هست نشون‌بده.

این دیوار نامحسوس که در دنیای مجازی واسط بین ارتباطات انسانها شده آزادی‌ای رو به انسانها داده که تا به حال در هیچ دوره ای تجربه نکردن. آزادیِ بی حد و حصری که هم در تعداد و انواع روابط وجود داره و هم در چگونگی نشان دادن خود به دیگری بر اساس ترجیحات و شرایط سلیقه ای مختلف که انتظار میره.

چه کسی از آزادی بدش میاد. چیزِ هیجان انگیزیه. اون هم از نوع مجازی و غیر واقعی .بدون هیچ بازخواست و جزایی. با این نوع از امکانات و انتخاب های متنوع و بی نهایت. چه کسی دوست نداره جاهایی بره و با کسایی آشنا بشه که در واقعیت امکانش نیست. موضوع وسوسه برانگیز و لذت بخشیه.

با ۴ ضربه‌ی انگشت، درِ خونه‌ی هر کسی رو میشه زد، بدون اینکه دیده بشی و مزاحمتی ایجاد کنی.

۱. تصمیم بگیر ۲. وارد شو ۳. انتخاب کن ۴. در بزن.

دوحالت بیشتر نیست یا در باز میشه یا نه.

البته کار عجیبی هم نکردی فقط قصد صحبت کردن داری. خدارو چه دیدی شاید در باز شد و اون طرف هم منتظر ی هم صحبت بود. شاید اون هم خسته و ناامید و یا تشنه و منتظر یک ارتباط غیر واقعی بوده. ارتباطی که امکان انجامش در بیرون از این دنیای مجازی خیلی سخت و کمه.

گاهی اوقات با طرح سوال و پرسشی منطقی صحبت رو شروع میکنی و با ریز بینی دنبال نقاط مشترک ذهنی و فکری میگردی تا رابطه رو به ی جایی برسونی. گاهی هم فقط تیری در تاریکی میندازی و بلاخره یه اتفاقاتی میفته.

انگار داری بازی میکنی. خودتو سرگرم کردی. مثل بازی های رایانه ای با فشار دادن چنتا دکمه و کلید به هر جایی سرک میکشی و ماجراجویی میکنی..انقدر بازی میکنی و پیش میری تا اینکه خودت رو وسط بازی میبینی. یکی از ویژگی های این نوع بازی های مجازی اینه که وقتی واردش بشی شرایط و محیطی رو میبینی و تجربه میکنی که کشش و جذابیت زیادی داره و به سختی میشه ازش دل کَند. آدم رو میکشونه دنبال خودش.

آدمها دنبال اتفاقات غیر منتظره هستن و لذت و هیجان زیادی رو تجربه میکنن. اگه از بازی سردربیاری و با نحوه انجامش آشنا باشی خوب راحت‌تر و سریع‌تر به نتیجه و آخر بازی میرسی و از مهارت و تسلط به این کار لذت میبری. اگر هم نه تازه با این بازی آشنا شده باشی کنجکاوی و تازگی محیط و فضای بازی باعث هیجان و کشش بیشتر میشه، اون رو جالب و وسوسه انگیز میبینی و کنجکاو میشی که بفهمی مرحله بعد چه اتفاقی میفته و آخر بازی چی‌میشه.

اساسا کلیت این شرایط و امکانات بر جذابیت و کشش بیشتر برای کنجکاوی افراد طراحی و شکل گرفته. جذابیت و کششی که هر کسی رو ترغیب میکنه نیم نگاهی بهش بندازه یا امتحانش کنه. طوری معرفی و دیده میشه که اصول و قوانین و قوائد دیگه‌ای داره و غیر واقعی بودن بازی و روابط، توجیه مناسب و بی دردسری به نظر میاد.

همیشه بین انتخاب دکمه قرمز و سبز ترجیح به انتخاب درست و شناخته شده هست. اما در فضای مجازی و اینترنت و روابط مجازی طوری دکمه قرمز طراحی شده و به نظر میاد که لذت فشار دادن اون خیلی وسوسه انگیزتر از عواقب و نتایجیه که ممکنه داشته باشه.

باید با ذرنظرگرفتن امکان این عواقب و پیامدهای اون دست به انتخاب بزنیم. شاید لذت انتخاب غیرمعمول رو ترجیح بدیم اما در اکثر مواقع فشار دادن این دکمه‌ی قرمز و جذاب که در یک لحظه اتفاق میفته کل داشته ها و اطلاعات باارزش مارو از بین میبره. یا کلا این ارزش ها و داشته هارو از دست میدیم یا به سختی و با مشقت فراوان ممکنه دوباره تا حدودی بدستشون بیاریم. بستگی داره چه دکمه ای رو در چه موقعیت و شرایطی فشار داده باشیم.

دکمه خیانت جذاب و وسوسه انگیزه. چون ماجراجویی و اتفاقات غیر منتظره داره و ممکنه هرکسی رو ترغیب کنه. اما با همه جذابیتش صددرصد نابود کننده و غیرقابل برگشته. اگرم بشه تا حدودی بازسازیش کرد به هیچ وجه مثل قبل نمیشه و اصلا به ریسکش نمی ارزه. چون عواقب و سرانجام ویران کننده ای داره که لذت یک لحظه لمس کردنش اصلا قابل مقایسه با اون نیست.

هر دکمه ای رو نباید لمس کرد و فشار داد، مگر اینکه عمدی باشه.

برای دریافت مطالب بیشتر لطفا به وب‌سایت:

/http://www.cheoche.com

مراجعه نمایید.

cheoche.com